



# دانشجو



دانشجو



# ویژه نامه <انجدید الورود> شجاعیان

## کاری از برو بجه نمای انجمن اسلامی

wellcome

بچہ (انسکا خوش آمدید)

سلام!

سلام بر تمامی شما حمامه سازان! شما شکنندگان ساخ آن دیو ۲ سر، آن موجود پلید، کنکور. میدوارم خستگی راه و بار سفر از دوش خود رهانیده باشد و اگر نرهانیده اید، ما برایتان برهانیم. بعد از سلام به شما خوش آمد عرض می کنم؛ به شما دانشجوی عزیز.

شاید چند روزی است که هی دوست دارید بک جایی پیدا شود که فرمی پر کنید و در قسمت شغل بنویسید دانشجو، شاید چند روزی است که هی کلاس میگذارید و قمپز در می کنید و لوقزو می خوانید که دیگر من دانشجو ام، تازه دانشگاه نولتی، آن هم دانشگاه اصفهان.

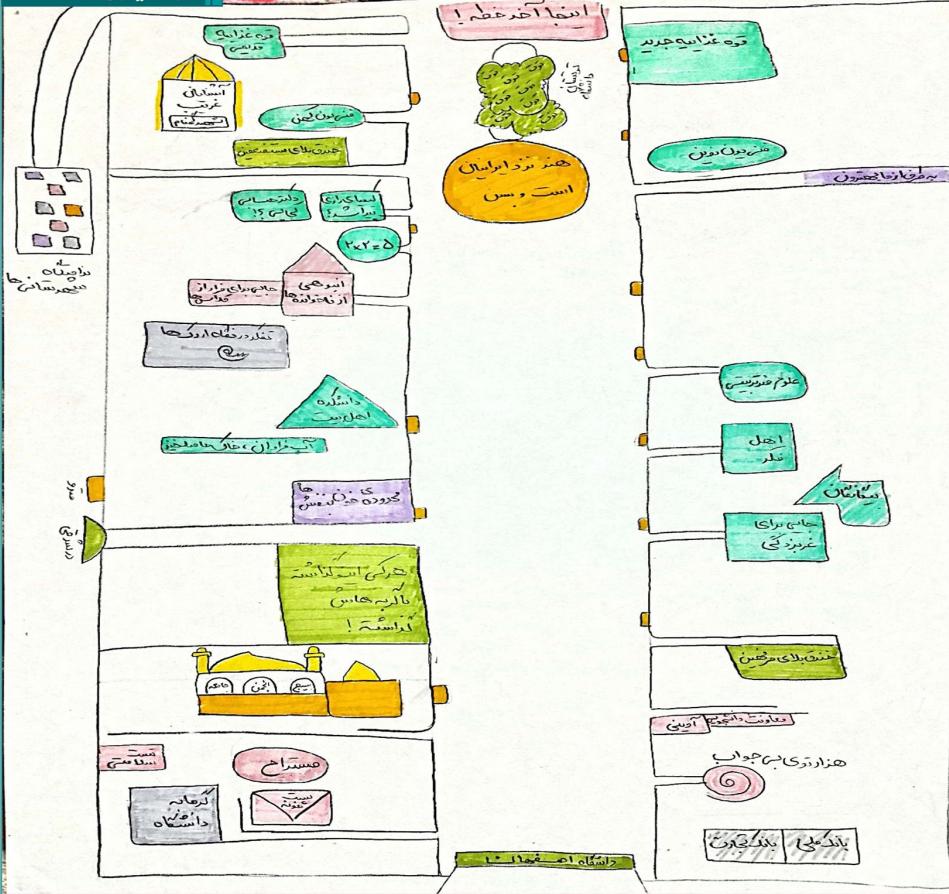
امسال سختی را پشت سر گذاشتید. شما کنکور دادید، آن هم در سال ۱۴۰۳، یعنی کنکور ندادید، ندادید، ۱۸ سال را  
تل نمودید و صاف همین امسال ۹۹۹۹!! (البته اگر امسال سال دوم، سوم، ...، ۱۱ام تان هم بوده باز هم در اصل مسئله فرقی  
حاصل ننمی شود)

صف همین سال که این همه اتفاق در ایران و جهان افتاد، شما می خواستید درس بخوانید، یکی می خواست ظرفیت ها را آزاد کنند، یکی می خواست تورم رو حل کند، یکی از توی پناهگاه میخواست به ایران حمله کند، دیگری هم به دنبال وفاق بود... اما شما درس داشتید. انتخابات و سیاست به کتاب...

جامعه ورزش هم کل سال رو و ل کرد صاف همین امسال المپیک برگزار کرد.  
ضداصفاً عجب سالی کنکور دادید. دمتان گرم آن هم به مقدار زیاد.

برآخر بگوییم که ما بر آن هستیم (جمله رو داشتی!!) که کمی دانشگاه را به شما معرفی بنماییم. اگر مایلید، دیگر مطالب را خوانوید.

لوگاتیون دانشگاه



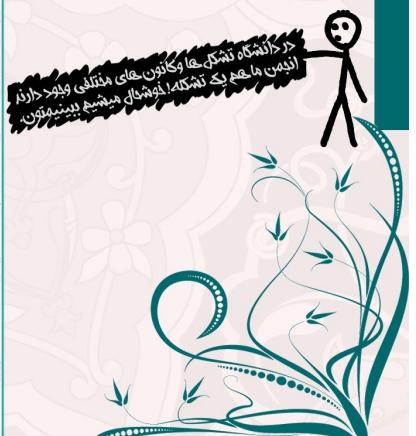
شنبه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنفی ردها  
سال بانددهم :: تسماره ۸۱ :: مهر ۱۴۰۳ :: ۴ صفحه  
از جو اسلامی دانشجویان دانشکده افسهار

فہرست

- به دانشگاه خوش آمدید
  - لوكاتيون (location) دانشگاه
  - به دانشگاه خوش آمدید
  - هناظر استاد و دانشجو
  - اشعار دانشجویی
  - عکس نوشتہ
  - اصفهونس و کلی خوش گذرونی
  - فرهنگ لغت دانشگاه
  - عکس نوشتہ ۲
  - انجمعن چیست؟

مناظره استاد و دانشجو!

گفتم غم غزون است، گفتا ز من چه آید  
گفتم که نمره او دو، گفتا ز من نهاید  
گفتم که دادن سیاست سهل آید  
گفتنا ز اما ساید این کار کمتر آید  
گفتم کرم نصاید من را کید شما شاد  
گفتنا که خوش بخانیم کس وقت آن باید  
گفتم که نمره هفت بدخت عالمم کرد  
گفنا این دادن ای ای هم زیارت آید  
گفتم خوش دهن که دست شما دهد آن  
گفتنا تو کوسن کن و قوت آن برآید  
گفتم دل رجھت کسی فضد رحم دارد  
گفنا جو کسی تو وقفت آن برآید  
گفتم زمان تصلیب بدی که چون رساید  
گفنا خوش بخانیم، حالم ازدست من، حا آید

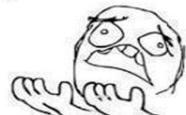


## اشعار دانشجویی

بگرید عالم و آدم به حال زار دانشجو  
بیفتند صد گره هر دم به کار و بار دانشجو  
دو سه هفته که بگذشت از کلاس و درس و بحث و مشق  
یقین بینی که در رفته ز جا زه وار دانشجو  
هر آنچه عیب و مشکل باشد اندر جامعه قطعا  
نیابی ارتفاعی کمتر از دیوار دانشجو  
دمی از انتخاب واحد و یک دم ز مشروطی  
بلرزد قلب پاره پاره و غمبار دانشجو  
اگر یک دم کند غفلت که دل بر دلبری بخشد  
 فقط بدختی و ماتم شود دلدار دانشجو  
ولیکن گر توکل بر وجود حق کند قطعا  
خدا باشد به هر لحظه رفیق و یار دانشجو

علیهم خواهد گشته دروز  
دانشجویی کارشناسی اموزش پرورشی

یا پولاتو رد کن یا جونتو بگیرم



پول !! جون !!! ببا من یه دانشجو ام



شمنده  
داداش



## اصفونس و کلی فوش گذرنی

اگه بچه اصفانی که برو مطلب بعدی اما اگه اهل دیار دیگه ای هستی، این مطلب واسه شوما نوشه شده.  
اینجا اصفهانه! مردم خوش ذوقی داره که حواسشون به کار خودشونه، تیز هوشن و اصلا سرشون کلاه نمی‌ره! اصولا  
اصفهانیا اهل حساب کتابن و دخل و خرج براشون مهمه.

اینجا مثل تهران نیست که هر چی بری سمت شمال خون مردم بنفشتر بشه! اینجا سیستم، سیستم محله‌ایه. یه محله  
پر از داش مشتی و قهوه‌خونه‌ست ولی محله‌ی کناریش بورس پورشه و بنز و... پس حواستون باشه تو کدوم محله رفت و  
امد می‌کنید! دنبال هر چیزی هستید، باید بردید تو محله‌ی مربوطه.  
تبیریک می‌گم! اگه اهل گشت و گذار هستید، شهر خیلی خوبی قبول شدید.

اول از همه یه برنامه صfe بچینید و بردید تله کابین تا از آلودگی‌های شهر کمتر فیض ببرید.  
پنجشنبه‌ها پاشین دوتا بسته چیپس و ماست موسیر بخرید با به زیر انداز بردید نازوون و صفا سیتی!  
سینما هم یک تفریح فرهنگی و خوبه که با جیب دانشجوها هم نسبتاً جور در میاد (چرا می‌گم نسبتاً چون قیمتش نسبت  
به قبل گردن تر شده اما سه‌شنبه‌های نیم‌بها رو که ازتون نگرفتن!), پاشین بربین سینما تا حالتون جا بیاد.  
خوبیه سینماهای اصفهان اینه که همشون نزدیک به هم دیگه اند. ساحل سر انقلاب و سپاهان و فلسطین و چهارباغ هم  
تو چهارباغ!

آها راستی در مورد چهارباغ‌ها بگم! اصفهان چهارتا خیابون داره به اسم چهارباغ که جزو با صفا ترین خیابونای اصفونه.  
به فاصله‌ی بین دروازه شیراز تا ۳۳ پل می‌گن چهارباغ بالا.  
به فاصله‌ی بین انقلاب تا دروازه دولت (میدان امام حسین) می‌گن چهارباغ عباسی.

به فاصله‌ی چهارراه تختی تا میدون شهدا می‌گن چهارباغ پایین.  
به فاصله‌ی بین میدون خواجه تا چهارراه فلسطین هم می‌گن چهارباغ خواجه  
حالا به عنوان تمرین حدس بزنین سینماهای اصفهان تو کدوم چهارباغ بود؟!  
ضمنا اگه وسط سال دیدی دلت گرفته، یه هدفون با به آهنگ ملايم بزار تو گوشت و برو لب رودخونه قدم بزن! اگه تا  
اون موقع آب رو وا کرده بودن که هیچی اگه نکرده بودن باز از صفائ لب آب هیچی کم نمی‌شه!  
اگه پولت رسید برو به بربون بزن به بدن! هر چند میدونم دانشجویی و شپش تو جیبت شرکت انبوه سازی راه انداخته!  
برای اطلاعات تکمیلی به هر انسانی با لهجه‌ی اصفهانی مراجعه کنید اما آدرس نپرسید! دلیلشو بعد می‌فهمید!

فاطمه میر پاکر  
دانشجویی کارشناسی علوم پایه

## فرهنگ لغت دانشگاه



دانشجو:

صاحب آرزوهای بر باد رفته، بی خانمان، آس و پاس، سی که تا صبح بیدار است و تا شب خواب. کسی که سر کلاس فقط چرت می زند ساعتش را نگاه میکند و هر از گاهی با خمیازه میگوید: استاد خسته نباشد.

جديد الورود:

تازه نفس گیج کسی که به طور متناوب نسبت به آینده امیدوار و ناامید می شود. کسی که از استاد راهنمای خود سراغ سالن غذاخوری را میگیرد. صفر کیلومتر. کسی که چندان با حل المسائلها آشنای ندارد. کسی که سر همه کلاس ها حاضر می شود.

فارغ التحصيل:

فسیل، پیر، استخدام رسمی شرکت ایرانول. کسی که نسبت به تمام امراض واکسینه شده. از اینجا رونده از اونجا مونده. در حسرت اشتغال و ازدواج. کوله بار تجربه بر دوش، آینه عبرت پشت کنکوری ها.

شب امتحان:

شبی که خرج زیراکس دانشجویان بالا می رود. شب اول قبر، شب من خواهم زنده بمانم. شبی که کاش هرگز صبح نشود. شبی که خواب در آن حرام است. شبی که به اندازه یک ترم می ارزد. شبی که همه آرزو میکنند در درازی به موی یار ماند و به گیسوی شب یلدای.

پاس:

لغتی که آرزو شماست تا پایان ترم در مورد تمامی دروس اخذ شده تان به کار ببرید. رفتاری که در هنگام ثبت نام و فارغ التحصیل شدن از مسئولین سر می زند. رفتاری که در فوتbal خوب محسوب می شود و در ادارات عرف. لغتی که شما را از مشروط دور می کند. کلمه ای که از نظر زیبایی شناختی با بله عروس قابل مقایسه است.

: ۵۵

عددی منصوب به ناپلئون، گاهی وقتها آرزوی خیل هاست. تقریباً مساوی بیست. عددی که خیل خیل بزرگتر از ۹۹۹ می باشد و اصلاً قابل مقایسه نیست. زیباترین عدد برای بسیاری از دانشجویان، عشق دانشجویان شب امتحان. عدد اشکها و لبخندها

تقلب:

غلبه بر ترس. تکیه بر باد. فرشته ای که سر جلسه امتحان دانشجو را به بیشتر نمره پاسی می رساند. چیزی که برایش تمام دست را فدا می کنی. آنچه نیاز لباس به جیب و درز را بیش از پیش گوشزد می کند. جربه سنج. پرنده کوچک خوشبختی. وجودان سنج مراقبان. معامله پایاپای نمره و آبرو.



دانشجویان هایله منصور



[anjomaneslami\\_isf.ui](http://anjomaneslami_isf.ui)

باها در ارتباط باشید